

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ولفگانگ بیتنر* منتشر شده در نشریه **هینترگروند** المان
برگردان: ف. س. / مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۱۱ اپریل ۲۰۲۵

برنامه ریزی المان و اتحادیه اروپا برای جنگ علیه روسیه

بخش اول



چگونه روان‌پریش‌ها و نمایندگان منافع سرمایه‌داری ملت‌ها را به بدبختی می‌کشانند – نه تنها در المان. اولین بخش از یک تحلیل

در حالی که اقتصاد کشور صادرکننده المان در حال تخریب است، مجلس فدرال المان در آخرین جلسه خود قبل از پایان دوره انتخاباتی، بار سنگینی از بدهی را بر دوش مردم تحمیل کرد. [۱] در ۱۸ مارچ ۲۰۲۵، پس از یک بحث جنجالی، پارلمان تصمیم به اصلاح قانون اساسی و تصویب استقراض حدود یک تریلیون یورو گرفت که به‌طور رمزنگاری شده تحت عنوان «دارائی‌های ویژه» و «تعلیق قانون کاهش بدهی» مطرح شد.

تقویت نظامی بی‌سابقه

برای این منظور نیاز به اکثریت دو سوم نمایندگان بود که در پارلمان جدید انتخاب شده وجود نخواهد داشت. عجله‌ای که طرفداران این «وام‌های جنگی» در عرض چند روز به تفاهم رسیدند، می‌تواند به عنوان یک حادثه شوم برای آینده تلقی شود. تصویب شد که یک دارائی ویژه به مبلغ ۵۰۰ میلیارد یورو برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های خراب و رسیدن به بی‌طرفی اقلیمی (به حداقل رسیدن کربن در طبیعت) تا سال ۲۰۴۵ ایجاد شود. [۲] برای این کار، لازم بود که قانون اساسی تغییر یابد. [۳]

گفته می‌شود که این مبلغ نجومی عمدتاً برای شبکه حمل‌ونقل و انرژی، مؤسسات آموزشی، بیمارستان‌ها، دیجیتالی‌شدن و گسترش و اداره مدارس و مهدکودک‌ها در نظر گرفته شده است. اما این که خیابان‌ها و پل‌های از غرب به شرق «برای عبور تجهیزات سنگین نظامی» مستحکم شوند، پنهان نگه‌داشته می‌شود. [۴]

علاوه بر این، تصمیم گرفته شد که هزینه‌های نظامی دیگر تحت محدودیت قانون کاهش بدهی که قبلاً در قانون اساسی گنجانده شده بود، قرار نگیرد. [۵] این قانون مقرر کرده بود که درآمدها و هزینه‌های بودجه فدرال المان باید اصولاً بدون استقراض متوازن باشند. از این پس، هزینه‌های نامحدود برای آماده‌سازی جنگ ممکن خواهد بود. این یک امر غیرقابل باور است، زیرا مردم باید هزینه آن را بپردازند؛ در حال حاضر صحبت از بیش از ۵۰۰ میلیارد یورو است. [۶] اما اگر در خیابان از کسی سؤال کنید که چرا باید چنین تصمیمی گرفته شود؟، جواب خواهید شنید: «باید ضروری باشد، چون روس‌ها می‌خواهند به ما حمله کنند.» فریاد جنگ در همه جا، این یک فاجعه است.

صدراعظم منتخب فریدریش مرتس (از حزب CDU)، که در طول مبارزات انتخاباتی وعده داده بود که قانون کاهش بدهی که در قانون اساسی گنجانده شده است رعایت خواهد شد و اکنون وعده‌اش را شکست، پیش از رأیگیری سخنرانی خصمانه ضد روسی ایراد کرد و به‌طور نادرست ادعا کرد که روسیه قبلاً جنگی علیه المان آغاز کرده است: «این یک جنگ علیه کشور ما است که هر روز در حال وقوع است، با حملات به شبکه‌های داده ما، با تخریب خطوط تأمین، با حملات آتش‌سوزی، با قتل‌های قراردادی...» [۷] وزیر دفاع کنونی، بوریس پیستوریوس، که به خاطر سخنان تحریک‌آمیزش معروف است، هشدار داد: «ما نباید زمان را از دست بدهیم... هر کسی که امروز تردید کند، هر کسی که امروز جرأت نکند... حقیقت را انکار می‌کند.» [۸]

تنها کمی توجه به سخنان سارا واگن کنشت، رئیس مشترک BSW جلب شد، که به حامیان «وام‌های جنگی» انتقاد کرد و گفت: «قبلاً جمهوری فدرال المان یک غول اقتصادی بود که در سیاست خارجی خود محتاطانه عمل می‌کرد و به همین دلیل احترام بین‌المللی کسب کرده بود. امروز المان در مسیر تبدیل شدن به یک کشور اقتصادی کوچکتر است و سیاستمداران مسئول آن‌ها ناتوانی خود را از طریق بزرگ منشی در سیاست خارجی و تقویت نظامی بی‌سابقه جبران می‌کنند.» [۹] ۵۱۲ نماینده از SPD، CDU/CSU و Bündnis 90/Die Grünen به بسته بدهی رأی مثبت دادند، در حالی که ۲۰۶ نماینده از سایر احزاب مخالف بودند.

یک سناریوی تهدید ساختگی

این که برای نیروهای نظامی این میلیاردها پول بی‌رحمانه تأمین می‌شود، بارها با اهداف امپریالیستی ادعائی روسیه توجیه شده است. گفته می‌شود که کشورهای بالتیک و پولند تهدید شده‌اند و در این صورت تمام غرب اروپا. [۱۰] گفته می‌شود که روسیه پس از «جنگ تهاجمی وحشیانه و غیرقانونی علیه اوکراین» در حال آماده‌سازی برای حمله به ناتو است. در صف مقدم، به جز فریدریش مرتس و لارس کلینگیل، سیاستمدارانی مانند یوهان واده فول (CDU)، رودریش کیسووتر (CDU)، ماری-آگنس اشتراک-سیمرمن (FDP) یا آنتون هوف رایت (Bündnis 90/Die

(Grünen) قرار دارند، بلکه دیگر سیاستمداران نیز که در برنامه «Yale World Fellows» در ایالات متحده به عنوان رهبران جهانی آموزش دیده‌اند، مانند رئیس‌جمهور لیتوانیایی دالیا گریباوسکایته که به طور مداوم درباره خطر حمله روسیه هشدار می‌دهد. [۱۱]

برای این ادعاها هیچ گونه مدرکی وجود ندارد. این‌ها صرفاً تبلیغات هستند که یک سناریوی تهدیدی ساخته شده است، پشتیبانی‌شده با اظهارات به اصطلاح کارشناسان و دانشمندانی که به صورت ایدئولوژیکی جذب شده‌اند و در برنامه‌های خبری و مصاحبه‌ها سخنان بزرگ می‌زنند.

هدف این است که جنگ تا آخرین اوکراینی ادامه یابد تا روسیه بیشتر تضعیف شود. رئیس سازمان اطلاعات فدرال، برونو کال، در تاریخ ۸ مارچ ۲۰۲۵ در تأکید دوباره بر دروغ تهدید گفته است: «یک پایان زود هنگام جنگ در اوکراین به روس‌ها این امکان را می‌دهد که انرژی خود را در جایی که می‌خواهند استفاده کنند، یعنی علیه اروپا، متمرکز کنند»

این واضح است که آلمان باید توسط سیاستمداران بی‌وجدان و نظامیان برای جنگ آماده شود. در سال ۲۰۲۳ یک «طرح عملیات آلمان» تهیه شد که مقدمه آن چنین است: «نه تنها از زمان حمله غیرقانونی روسیه به اوکراین و سخنرانی تغییر دوران صدراعظم (شولتس)، دفاع از کشور و دفاع از اتحاد در ارتش آلمان دوباره در کانون توجه قرار گرفته است. آموزش سربازان، تجهیزات آنها و نگرش آنها در حال تغییر است. اما چگونه دفاع نظامی آلمان به عنوان بخشی از دفاع کلی کشور ما سازماندهی می‌شود؟» [۱۳] در اینجا به وضوح فرض شده است که «حمله غیرقانونی» روسیه به اوکراین رخ داده است، بدون این که شرایط دقیق‌تر در نظر گرفته شود. این موضوع باید بزودی روشن شود.

منشور سازمان ملل متحد حق دفاع از خود را اعطا می‌کند.

روسیه در اقدام خود به منشور سازمان ملل متحد استناد کرده بود که در ماده ۵۱ آن آمده است: «این منشور در صورت حمله مسلحانه به یکی از اعضای سازمان ملل هیچ‌گونه محدودیتی برای حق طبیعی دفاع فردی یا جمعی از خود ایجاد نمی‌کند، تا زمانی که شورای امنیت اقداماتی را برای حفظ صلح جهانی و امنیت بین‌المللی اتخاذ نکرده باشد. اقداماتی که یک عضو در استفاده از این حق دفاع از خود انجام می‌دهد باید فوراً به شورای امنیت گزارش شود؛ این اقدامات هیچ‌گونه تأثیری بر صلاحیت و وظیفه شورای امنیت ندارد که بر اساس این منشور در هر زمانی اقداماتی را برای حفظ یا بازگرداندن صلح جهانی و امنیت بین‌المللی که برای آن ضروری می‌داند، اتخاذ کند.»

بنابراین، منشور سازمان ملل متحد در صورت حمله مسلحانه حق دفاع از خود را به شکل دفاع از خود و کمک‌های اضطراری اعطا می‌کند، و روسیه در زمان ورود به خاک اوکراین در ۲۴ فبروری ۲۰۲۲ به کمک اضطراری (دفاع جمعی) پس از یک تهاجم بزرگ از سوی اوکراین کییف علیه جمهوری‌های مردمی دونتسک و لوهانسک که پس از کودتای ۲۰۱۴ جدا شده بودند، استناد کرد. شورای امنیت سازمان ملل متحد طبق ماده ۵۱ منشور آگاه شد. [۱۴]

در مورد دلایل اقدام خود، ولادیمیر پوتین در سخنرانی خود به ملت اشاره کرد و این سخنرانی را همراه با گزارشی در مورد عملیات نظامی به سازمان ملل متحد ارائه داد. اما مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲ مارچ ۲۰۲۲ بشدت از ورود به خاک اوکراین مخالفت کرد و با پنج رأی مخالف (بلاروس، اریتره، کوریای شمالی، روسیه، سوریه) تصمیم گرفت که روسیه باید عملیات جنگی خود را متوقف کرده و از اوکراین عقب‌نشینی کند. [۱۵]

می‌توان فرض کرد که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد که معمولاً ایالات متحده آمریکا و وابستگانش بر آن تسلط داشتند، تمام واقعیت‌ها و تحولات در اوکراین در نظر گرفته نشده بود. علاوه بر این، خود سازمان ملل متحد نتوانسته

است منشور خود را در برابر کشورهای ناتو که چندین بار به وضوح خلاف آن عمل کرده‌اند، اجراء کند. در این زمینه، ولادیمیر پوتین در تاریخ ۷ سپتامبر ۲۰۲۲ در یک جلسه عمومی از اجلاس اقتصادی شرقی در ولادیوستوک به‌طور انتقادی موضع گرفت. [۱۶]

ایالات متحده در آستانه دروازه‌های روسیه آتش افروخته است

مسأله‌ای که در بحران اوکراین حائز اهمیت است این است که استان‌های دونتسک و لوہانسک در ابتداء تنها خواستار خودمختاری بودند. اما «رئیس‌جمهور موقت» آن زمان، الکساندر تورچینوف و رئیس‌جمهور منتخب در ماه مه ۲۰۱۴، پترو پوروشنکو، که هر دو عروسک‌های دست پرورده ایالات متحده بودند، تانک‌ها و توپخانه را به دونباس فرستادند و قصد داشتند که یک اختلاف داخلی را با ابزار نظامی حل کنند. در جنگ داخلی بعدی، جمهوری‌های مردمی توسط روسیه حمایت شدند، در حالی که اوکراین کییف با نقض عمدی توافقات صلح مینسک برای جنگ نیابتی علیه روسیه به طور گسترده تسلیح شد. آنها به روسیه دروغ گفتند.

از اواسط فیبروری ۲۰۲۲، جنگ داخلی به اوج خود رسید و تهدید به نسل‌کشی علیه جمعیت روسی‌زبان در شرق اوکراین وجود داشت، جایی که تا ابتدای ۲۰۲۱ بیش از ۱۳,۰۰۰ نفر کشته شده بودند، حدود یک میلیون نفر آواره شده و شهرها و روستاها ویران شده بودند. [۱۷] به علاوه تهدید علیه کشور خود، از دیدگاه روسیه مداخله امری ضروری به نظر می‌رسید.

اما سؤالی که باید به آن پاسخ داده شود این است که آیا روسیه در زمان ورود به اوکراین واقعاً می‌توانست به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل استناد کند؟ این مسأله – اگر ماده ۵۱ دقیقاً خوانده شود – چنین نیست. اگرچه روسیه به عنوان یکی از اعضای سازمان ملل متحد حق دفاع فوری از خود را به شکل دفاع از خود در برابر حملات مسلحانه دارد، اما در فیبروری ۲۰۲۲ هیچ حمله نظامی به خاک روسیه صورت نگرفته بود (پیوستن جمهوری‌های مردمی دونتسک و لوہانسک به فدراسیون روسیه بعداً انجام شد). بنابراین، دفاع از خود به شکل دفاع مشروع امکان‌پذیر نبود، همچنین کمک‌های اضطراری نیز نمی‌توانست به کار گرفته شود زیرا این دو جمهوری مردمی عضو سازمان ملل متحد نبودند. با این حال، ایالات متحده با استفاده از اوکراین کییف آتش را در آستانه دروازه‌های روسیه افروخته و ارتش اوکراین را با پیشرفته‌ترین تسلیحات مجهز کرده بود. علاوه بر این، زلنسکی تهدید کرده بود که به دنبال به‌دست آوردن سلاح‌های هسته‌ای خواهد بود، [۱۸] و ایالات متحده درخواست‌های معتبر روسیه برای تضمین‌های امنیتی را رد کرده بود. سؤالی که در نهایت مطرح می‌شود این است که آیا یک کشور مجاز است با تهدید فوری مقابله کند، حتی اگر هنوز به طور نظامی مورد حمله قرار نگرفته باشد؟ به طور ساده‌تر: آیا کسی مجاز است با استفاده از زور علیه یک مجرم که در حال ضربه زدن به درب خانه‌اش است، اقدام کند؟

دولت کییف در آن زمان به طور غیرانسانی با توپخانه و تانک‌ها علیه غیرنظامیان در جمهوری‌های مردمی دونتسک و لوہانسک اقدام کرد و هزاران نفر را کشت، که این عمل شرایط نسل‌کشی (ژنوساید) را برآورده می‌کند. این مسأله واضح است، پاراگراف ۶ از قانون کیفری بین‌المللی می‌گوید: «هر کسی که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، نژادی، مذهبی یا قومی تحت هر عنوانی، یکی از اعضای آن گروه را بکشد، به عضوی از گروه آسیب‌های شدید جسمی یا روانی وارد کند، به ویژه آسیب‌هایی که در ماده ۲۲۶ قانون کیفری مشخص شده است، یا گروه را تحت شرایطی قرار دهد که قادر به نابودی جسمی آن به طور کامل یا جزئی باشد... به حبس ابد محکوم خواهد شد.» [۱۹]

* - نویسنده و روزنامه‌نگار دکتر حقوق، ولفگانگ بیتنر، نویسنده بسیاری از کتاب‌ها است، از جمله «فتح اروپا توسط ایالات متحده امریکا» و «المان – خیانت و فروش». اخیراً کتاب او با عنوان «هیچ‌کس نباید گرسنه باشد، بدون اینکه یخ بزند» توسط انتشارات zeitgeist منتشر شده است.

۰۹ اپریل ۲۰۲۵